

پنجره‌هایی به سمت باغ گمشده

افتخار عارف

علی بیات

www.ketab.ir



افتخار حسین

پنجره‌ای به سمت باغ گمشده - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.

ص ۱۸۳

ISBN 978-964-380-998-0

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۹۹۸-۰

فیهای مختصر

شماره کتابشناسی ملی ۳۷۸۶۹۱۵



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایران‌شهر و ماهشهر / اب ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایران‌شهر و ماهشهر / اب ۱۴۸ / تلفن: ۸۸۳۲۵۳۷۶-۷

■ پنجره‌ای به سمت باغ گمشده

● افتخار حسین (عارف) ● ترجمه دکتر علی بیات (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه شعر معاصر جهان

● چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-998-0

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۹۹۸-۰

سایت اینترنتی: www.saleespublishation.com پست الکترونیک: Info@saleespublishation.com

● قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

پیش گفتار

ادبیات اردو، در دوران ساخت و شکل گیری، بی تردید بیش از هر زبان و ادبیاتی، از ادبیات فارسی تأثیر پذیرفته است. حتی به جرأت می توان گفت، میزان اثرپذیری این زبان از زبان و ادبیات عربی، پس از زبان و ادبیات فارسی و به ویژه در دوره ی کلاسیک، از طریق فارسی بوده است. از دیر باز واژگان فارسی بسیاری به زبان اردو وارد شده اند که امروزه هم، بی تأمل توسط اردو زبان ها در مکالمات روزمره، مطبوعات و رسانه ها، اشعار و نوشته ها و انواع ادبی اردو مورد استفاده قرار می گیرد. واژگان عربی هم که در این زبان مورد استفاده قرار می گیرند، بیشتر دارای مفاهیمی هستند که در حیطه ی زبان فارسی از آنها مستفاد می شود. با این وجود در یک دو قرن اخیر، اندیشمندان ایرانی نسبت به همسایه ی قدیم شرقی خود، یعنی شبه قاره، توجه لازم را نداشته و ندارند. در حالی که در گذشته های بسیار دور، از میان دانشمندان ایران زمین، بزرگ مردی چون برزویه طیب، متاع گران بهای پنجه تشره را که سرمایه ی حکمت و تدبیر است به عنوان تحفه از آن سرزمین وارد ایران کرد. ما امروزه از این اصل که همیشه می توانیم، از دیگران نکته ها بیاموزیم، غفلت پیشه کرده ایم. از ادبیات جدید در شبه قاره، جز مواردی اندک، چیزی

نمی‌دانیم و در بین ادیبان و نویسندگان و محققان ایرانی، چنانکه باید و شاید، میل به دانستن و پژوهیدن در احوال ادبیات و آثار خلق شده توسط ادیبان این سرزمین وجود ندارد. در حالی که ادبیات اردو در دوره‌ی جدید پیش از ادبیات فارسی، خود را به ادبیات نوین مغرب زمین نزدیک، و خلق تمام گونه‌های ادبی جدید غربی را در میزان بسیار بالایی تجربه کرد. میل به تجربه‌ی شاعری، به دور از قالب‌های سستی که متأثر از شعر فارسی بوده است و روی آوردن به قالب‌های شعر نو تحت تأثیر شعر انگلیسی، رمان، داستان کوتاه، نقد ادبی علمی و گونه‌های جدید ادبیات، در ادبیات اردو خیلی پیش‌تر از ادبیات فارسی روی داده است. آثار چشمگیری هم توسط شاعران، ادیبان و نویسندگان شبه قاره خلق شده‌اند که مورد توجه مردم دیگر کشورها قرار گرفته و در تعداد قابل توجه به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی و عربی انجام ترجمه شده است. در حالی که ما با وجود این همسایگی از این مهم غفلت ورزیده‌ایم و جز چند نمونه‌ی معدود، که در برابر خیل آثار خلق شده‌ی جدید ادبیات اردو، به چشم نمی‌آیند، کار خاصی انجام نداده‌ایم. در راستای شناسایی و معرفی آثار فاخر زیان و ادبیات اردو و به عنوان نخستین گام، اشعار یکی از شاعران معاصر اردو یعنی سروده‌های آقای افتخار حسین عارف انتخاب شده است.

افتخار حسین، متخلص به عارف، ۲۱ مارس ۱۹۴۴، در شهر لکثو در هندوستان به دنیا آمد. در همین شهر درس خواند و وارد دانشگاه لکثو شد. او از این دانشگاه در سال ۱۹۶۲ لیسانس علوم اجتماعی گرفت و در کنار آن، دوره‌ی دروس عمومی اردو، سنسکرت و انگلیسی را هم پشت سر گذاشت. همچنین در سال ۱۹۶۵ به دریافت مدرک فوق لیسانس از همین دانشگاه نائل شد و در ادامه، تحصیلات خود را در دانشگاه کلمبیای شهر نیویورک، در رشته‌ی مدیریت رسانه پی گرفت.

عارف دوران کودکی، نوجوانی و شروع جوانی را در شهر لکنتو سپری کرده است. کسانی که تاریخ هندوستان را مطالعه کرده‌اند، نیک می‌دانند که در قرن هیجدهم و نوزدهم، این شهر در هندوستان از اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار زیادی برخوردار بود. بعد از حمله‌ی نادرشاه افشار به هندوستان و سپس حملات متعدد قبایل نیم وحشی شمال هند به این شهر در آن زمان، دهلی دیگر محل امن برای مردم نبود. به همین دلیل بسیاری از مردم این شهر و در رأس آنها ادیبان و شاعران در نیمه‌ی دوم قرن هیجدهم به این شهر مهاجرت کردند و به این ترتیب بر غنای فرهنگی این شهر افزودند. عارف به لکنوی بودن خود و فرصت پرورش در این فرهنگ، همیشه افتخار کرده و این شهر را در دوران کودکی خود، از لحاظ ادبی و فرهنگی، بسیار مهم تلقی می‌کند. او بر این عقیده است که با استیلای انگلیسی‌ها بر هندوستان پس از واقعه‌ی ۱۸۵۷ و خارج شدن حکومت از دست مسلمان‌ها، از جمله شهرهایی که به نوعی تمدن اسلامی در آن به شکلی ادامه یافت و به ادامه و بقای آن اصرار ورزید، شهر لکنتو بود.

عارف دوران کودکی‌اش را در کنار بازی‌های کودکانه، به مطالعه سپری کرد. به مطالعه تاریخ و شعر، علاقه وافری داشت. او می‌گوید که در محله‌شان، کتابخانه‌ای بوده است که به قیمت یک آنه (واحد پول خرد هندوستان معادل یک صدم یک روپیه) کتاب‌های خود را به خوانندگان، به امانت می‌داده است. از این کتابخانه کتاب‌هایی را به امانت می‌گرفت و با ذوق و شوق فراوان آنها را تا روز بعد تمام می‌کرد و فردا کتابی دیگر به امانت می‌گرفت. از آنجا که دوران کودکی‌اش با تنگدستی سپری شده است، در جایی می‌گوید: «در محله، خانه‌ی ما جزو خانه‌هایی بود که برق نداشت. برای این که شب‌ها بتوانم مطالعه کنم، یک بطری نفت برای فانوس می‌خریدم که معمولاً تا نیمه شب آن هم تمام می‌شد. بعد از

خاموش شدن فانوس به مرور آنچه خواننده بودم می‌پرداختم. همچنین فردا نیز دوباره در راه دانشگاه، آن را مرور می‌کردم. در ایام تعطیلات تابستانی دانشگاه، در کتابخانه دانشگاه، با حساب قفسه به قفسه کتاب‌ها را می‌خواندم. یعنی تصمیم می‌گرفتم، که در این تعطیلات یک یا دو قفسه از کتاب‌های کتابخانه را بخوانم.

افتخار عارف در سن بیست و یک سالگی، تصمیم گرفت که به پاکستان مهاجرت کند و به این ترتیب وارد شهر کراچی شد. او به این هجرت خود اهمیت زیادی می‌دهد و بر این عقیده است که این عمل برای او یک انتخاب آگاهانه بوده و هیچ اجباری در پس آن نبوده است. در کراچی در سال ۱۹۶۷ با دختر یکی از بستگان مادری‌اش ازدواج کرد. حاصل این ازدواج، دختری است به نام *تطهیر فاطمه* که از روی محبت گیتی صدایش می‌کند و پسری با نام *علی*.

عارف از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۷ در بخش برون مرزی رادیو پاکستان مشغول به کار شد. در رادیو، سمت گوینده‌ی اخبار به زبان‌های اردو و هندی را بر عهده داشت. برای خواندن یک بولتن خبری، ده رویه داده می‌شد، ابتدا در هفته دو یا سه روز خبر می‌خواند که بعدها به هفت روز در هفته افزایش یافت. آنچه موجب شهرت او شد، حضور او در یک برنامه تلویزیونی آن زمان با نام «کسوئی» به معنی «محک» بود که به عنوان یکی از مجریان این برنامه، برای او شهرتی ماندگار و زودرس را به ارمغان آورد. هنوز هم بسیاری از مردم پاکستان، این برنامه و حضور مؤثر افتخار عارف در این برنامه را به یاد دارند. از ۱۹۷۷ به انگلستان رفت و به عنوان مدیر روابط عمومی در بانک بین‌المللی اعتبار و تجارت لندن (BCCI London) مشغول به کار شد. در آن سال‌ها، در رادیو و تلویزیون بی‌بی‌سی هم گویندگی می‌کرد. در ادامه از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰، به عنوان مدیر اجرایی مرکز اردو در لندن، انتخاب شد. این مرکز

با نظر شخصیت‌های ادبی مشهوری چون الطاف گوهر و مشتاق احمد یوسفی صاحب سبک در طنز اردو و ابن‌حسن برنی و آغا حسن عابدی و غیره افتتاح شد. افتخار عارف در این مرکز خدمات شایانی به زبان و ادبیات اردو انجام داد. نشست‌های هفتگی و ماهیانه، سخنرانی، مشاعره، مراسم‌های معرفی شخصیات ادبی اردو که به لندن سفر می‌کردند، چاپ کتب، ایجاد یک کتابخانه و اتاق مطالعه در مرکز از جمله خدمات افتخار عارف در مدت تصدی مسئولیتش در این مرکز به شمار می‌رود.

افتخار عارف پس از مدت طولانی دوری از کشور، در سال ۱۹۹۱ به پاکستان برگشت و یک بار تا سال ۱۹۹۵ و بار دوم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸. به سمت ریاست آکادمی ادبیات پاکستان منصوب شد. او در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ ریاست فرهنگستان زبان و ادبیات اردو بر عهده داشته است. نکته‌ی قابل توجه این است که افتخار عارف از دو سال پیش به عنوان رئیس موسسه فرهنگی اکو یعنی از سال ۱۳۹۲ تاکنون در ایران به سر می‌برد.

در مورد علاقه‌ی خود به شعر و نیز زمان آغاز به شعرگویی، افتخار عارف طی یک مصاحبه چنین می‌گوید: «من از دوران کودکی شعر می‌گفتم. البته این را نوعی طبع موزون بگیری. از همان زمان هزاران بیت شعر از اساتید خودم و نیز شعرای قدیمی تا زمان خودم را از حفظ داشتم. در این صورت انسان خود به خود، با وزن و ردیف و بحر و با برخی مسایل آن آشنا می‌شود. اما سرودن شعر به معنای واقعی نزد من، چیز دیگری است. در دوران مدرسه و کالج، اشعار من چاپ می‌شدند. در مشاعره‌های دوره‌ی دانشجویی در دانشگاه هم شرکت می‌کردم، و اشعار خود را ارایه می‌دادم. پس از ورود به پاکستان در محافل خصوصی و دوستانه شرکت می‌کردم. اما چند تن از بزرگان شعر اردو مرا به طور خاص و جدی به سمت سرودن شعر اردو سوق دادند که از آن جمله

می‌توان به اظهر نفیس، سلیم احمد و رییس فروغ اشاره کرد. این‌ها و تنی چند از پیشکسوت‌های دیگر مرا تشویق می‌کردند. بنابراین اقتباس می‌توان گفت که او دوره‌ی شعرگویی واقعی خود را زمانی می‌داند که بزرگان شعر و ادب آن زمان، در مورد شعرهایش نظر می‌دهند و به این طریق خط مشی شاعران او شکل می‌گیرد. مجموعه‌های شعر افتخار عارف عبارت هستند از: مهر دونیم (۱۹۸۴)، حرف باریاب (۱۹۹۴)، جهان معلوم (۲۰۰۵) و کتاب دل و دنیا (۲۰۰۹) که شامل تمام سروده‌های افتخار عارف اعم از سه مجموعه‌ی قبلی و چند سروده‌ی بعد از آنها است.

در مجموعه‌ی مهر دونیم ۶۴ غزل و ۴۶ شعر نو وجود دارد. مقدمه‌ی آن را شاعر بسیار معروف اردو، فیض احمد فیض نوشته و پس از آن مقاله‌ای از محقق و ادیب مشهور اردو گوپی چند نارنگ با عنوان «شاعر دردمند تنهایی‌های تازه» گنجانده شده است. این کتاب بیش از ۱۵ بار تجدید چاپ شده است و راتررز گلد (Guild writers) که همان کانون نویسندگان پاکستان است، جایزه آدم جی را به این مجموعه به عنوان بهترین کتاب سال اهدا کرده است. حرف باریاب مشتمل بر ۴۰ غزل و ۲۶ شعر نو اردو است و جهان معلوم ۵۵ غزل و ۲۰ شعر نو را در خود دارد.

اگر به زمان چاپ اولین مجموعه یعنی مهر دونیم نگاهی انداخته شود، ملاحظه می‌شود که افتخار عارف پس از کسب شهرت در رادیو و تلویزیون پاکستان، دوره‌ی حضور خود در مرکز اردو در لندن را سپری می‌کند، دوره‌ای که بنابر ماهیت آن مرکز، او با مشاهیر ادب اردو در سر تا سر دنیا سر و کار دارد. شاید در یک نگاه این نزدیکی با شخصیت‌های بزرگ برایش امتیاز محسوب شود، اما در کنار آن، مسأله‌ای که نباید فراموش شود این است که با توجه به طیف شهرتش در جامعه،

حساسیت نسبت به سروده‌هایش، نیز بسیار بالاست. شاید بتوان گفت که در حالت عادی، یک شاعر گمنام، برای جلب نظر جامعه، نیاز به زمان بیشتری دارد، اما افتخار عارف در اوج شهرت خود، نخستین مجموعه‌ی شاعری خود را به جامعه‌ی شعری اردو عرضه کرد. مقدمه‌ی فیض/احمد و مقاله‌ی دکتر گوپی چند نارنگ بر این مجموعه، مسلماً توجه بسیاری را در دقت در اشعار افتخار عارف برانگیخت و واکنش‌های متفاوتی را در میان اقشار مختلف ادبیات اردو بر جای گذاشت. افزون بر محتوای شعر، یقیناً چشمش اشعار در یک دفتر نیز، می‌تواند نوع نگاه خوانندگان را تحت تأثیر قرار دهد.

برخی از عناصری که در شعر افتخار عارف خودنمایی می‌کنند، عبارت هستند از رؤیا، خیال و خاک. به قول عبدالعزیز ساحر، این عناصر چنان در شعر افتخار عارف با هم آمیخته‌اند که از آهنگ زیبایی-شناختی این‌ها، فضای جدید فکری و رشد معنایی حس می‌شود. جلوه‌ی فردی هر عنصر موجودیت خود را حفظ می‌کند و جلوه‌های معنایی جمعی و گروهی آن‌ها، دنیای رنگ و نوری را ارایه می‌کند که آمیخته به گونه‌های نوین فکر و خیال است. جنبه‌ی ناشناخته و ماورایی رؤیا و خیال، در آمیزش با تعبیر مادی آن با استنادات درونی و بیرونی، به نوعی اثرآفرینی می‌کند که تمام امور انکسار و تواضع وجود به اثبات وجود و یقین به ذات منتهی می‌شود و به این ترتیب تمام سرمایه‌ی فکری شاعر، آینه‌دار نظام فکری و عرفان او می‌شوند.

از دیگر عناصر مورد توجه در شعر افتخار عارف که شکل سمبل به خود گرفته، موضوع کربلا و تمام مختصات تاریخی و حماسی آن و همچنین خانه و زمین است. او یک بار از هندوستان به پاکستان مهاجرت کرد و تبعیت این کشور را قبول کرد و همچنان به عنوان یک پاکستانی و یک فرد سرشناس پاکستانی شناخته می‌شود. اما همان‌طور که گفته شد،

در دوره‌ای مجبور به ترک اختیاری همین وطن خود می‌شود و قریب به ده سال را در لندن سپری می‌کند. گویا این دوری از وطن چندان برایش خوشایند هم نبوده است. از سویی اوضاع جامعه در پاکستان هم چندان به طبع حساس او خوش به نظر نمی‌رسیده است؛ برای همین در شعر او بارها، هجرت، خانه، شهر و وطن و زمین با بار معنایی مختلفی خودنمایی می‌کنند.

افتخار عارف در کنار تأثیرپذیری از بسیاری از شاعران کلاسیک و قرن بیستم، از اقبال نیز تأثیر بسزایی پذیرفته است. دکتر فتح محمد ملک از محققان مشهور معاصر در این باره می‌نویسد: «افتخار عارف، با پیوند دوباره رشته‌ای از هم گسسته‌ی شعر انقلابی [اردو] گونه‌ی نوین شعر ترقی‌خواهی را بنیان‌گذاری کرد. او امروزه با به مبارزه‌طلبیدن نیروهای قاهر و جبار که با تمام وجود سرگرم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی و فقط در ترویج جبر سیاسی و استبداد هستند، از تاریخ اسلام نور و نیرو اخذ کرده است.»

تردیدی نیست که زبان اردو پایه‌های واژگانی خود را بر پایه‌ی واژگانی و ترکیب‌های فارسی بنا کرده است و آنها را چنان در خود هضم کرده، که کاخ عظیمی از آنها به نام ادبیات اردو برافراشته است. شاعران دوره‌ی کلاسیک اردو، از میر تقی میر و میرزا محمد رفیع سودا گرفته تا شیخ محمد ابراهیم ذوق و میرزا اسدالله خان غالب دهلوی و در دوره‌ی اخیر علامه اقبال با استفاده از واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی و تابع اضافات مفاهیم شعری و فکری خود را به خوبی بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد با فاصله گرفتن از آن دوره و نیز گرایش به ساده‌گویی در بین شاعران جوان‌تر اردو، این قاعده تا حدودی در حال گذاشته شدن است. اما افتخار عارف همانند شاعران قبل از خود در شعرهایش واژه‌هایی را انتخاب کرده است که در شوکت و جزالت همان بلندی را

در خود جای داده‌اند. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که عصر افتخار عارف و شاعران دوره‌ی کلاسیک و حتی اقبال با هم فرق دارند و واژه‌ها و ترکیب‌ها بار معنایی متفاوتی را باید به خواننده القا کنند. از سویی تسلط به مفاهیم واژه‌ها و استفاده از آنها در ترکیب‌ها، نیاز به آگاهی کافی از ساختار و تطور معانی در آنهاست. در شروع این مبحث گفته شد که او از دوران کودکی با کتاب و به ویژه با دیوان شاعران گذشته تا زمان خود مانوس بوده است. همین انس و مطالعه‌ی بسیار او را در استفاده از واژگان مناسب و ترکیب‌های زیبا کمک کرده است. دکتر نثار احمد فاروقی، با توجه به این جنبه از توانایی ادبی افتخار عارف، تعداد محدودی از این ترکیب‌ها را در مقاله خود ارایه داده است. قبل از ذکر این ترکیب‌ها، یادآوری این نکته ضروری است که این‌ها را او در شعر اردوی خود عیناً بکار برده و ترجمه به فارسی صورت نگرفته است:

«خلعت انتساب، رمز نور، بیعت اعتبار، لوح آب روان، جواز افتخار، فقیر شهر علم، زکات اعتبار، نگاهداری بهار آرزو، نخل جان، هوای مهر، دادخواه اجر، میثاق تیرگی، نشان مهر، لحاظ همسفری، عذاب دریدری، حلقه‌ی نامعتبر، کار و بار جنون، چراغ سر کوچه‌ی باد، در و بست نوا، نام‌آوران عهد بغاوت، بساط اعتبار دهر، وحشت اولاد آدم، رقص شعله فشان، آسودگان کنج قناعت، کمین‌گاه عافیت، امان‌گاه مصلحت، خیام تسلیم، امانت نور، سایبان رضا، بشارت طلب دل، میثاق هجر و غیره» افزون بر اینها اسامی مجموعه‌های شعر افتخار عارف از این منظر هم قابل توجه است، مهر دو نیم، حرف باریاب، جهان معلوم و کتاب دل و دنیا.

نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که واژه‌های فارسی و عربی که توسط شاعران فارسی‌گوی در قرن‌های گذشته و توسط شاعران اردو

گوی در سه قرن اخیر مورد استفاده قرار گرفته، همان واژه‌هایی است که در دوران حملات محمد غزنوی و حکومت سلسله‌های مختلف حاکم ایرانی در آن سرزمین، از ایران و مناطق فارسی‌زبان به شبه قاره مهاجرت کرده و همان‌جا ماندگار شده‌اند. بنابراین در بسیاری از مواقع مشاهده می‌شود که برخی واژگان مصطلح و رایج فارسی در زبان اردو، در ایران و فارسی متداول امروزی بار معنایی جدایی از آن بار معنایی که در گذشته و حال در شبه قاره داشته‌اند، دارند. عبدالعزیز ساحر، که کتابی را درباره‌ی افتخار عارف تألیف کرده می‌گوید: «با مطالعه‌ی شعر افتخار عارف، این امر واضح می‌شود که او به هنر استفاده‌ی از واژه و تبیین ابعاد متنوع معنایی آن به خوبی آگاه است و ترصیع کلمه‌ها، سبک ویژه‌ی اوست. او در یافتن نسبت‌های میان واژه و معنی هم، کمال هنر خود را به نمایش گذاشته است. در ترکیب‌سازی هم نشان داده است که کاملاً منحصر به فرد عمل کرده است. زیرا راز واژه‌ها و ترکیب‌ها زمانی به شکل حقیقتی بر دل شاعر وارد می‌شوند که او به هنر زندگی کردن و تفکر معنایی موجود در آن کاملاً آشنا باشد. گویا در این فن اشراق به کمک او می‌آید و او را راهنمایی می‌کند (ساحر، ۲۰۰۹، ۸۳).

و اما در مورد این ترجمه. در دوران تحصیل در دانشگاه پنجاب، با نام و آوازه‌ی افتخار عارف آشنا بودم و چندین شعر نیز از او خوانده بودم. شعرهای عارف از لحاظ محتوا و مضمون با محتوا و مضامین عمومی شعر اردو، به نوعی متمایز است. تلمیحات شعری و نیز سمبل‌های مورد علاقه‌ی او حال و هوای دیگری دارد. نوعی دیدگاه حسرت‌آمیز نسبت به خانه و کاشانه و وطن، که بیشتر در اشعار سروده شده‌ی عارف در دوران اقامت در لندن، حس می‌شود، نوعی جدابافتگی را القاء می‌کند که پس از خواندن آنها تا دیر وقت در ذهن باقی می‌ماند. حدود سه سال پیش در پی خواندن مطلبی در مورد شعر عارف، دوباره اما این

بار با دیدگاهی مشخص‌تر از قبل به مطالعه‌ی شعرهای او پرداختم. در کلاس‌های درس شعر اردو در دانشگاه هم، به عنوان نمونه‌های شعر قرن بیستم و به تعبیری بهتر، شعر معاصر اردو، چند شعر عارف را تدریس کردم. تا این که بالاخره اواخر سال ۱۳۹۱ شمسی و پس از چندین ملاقات با او، در یکی از ملاقات‌ها، از ایشان خواستم اجازه دهند، تعدادی از سروده‌هایشان را به فارسی ترجمه کنم. و خوشبختانه ایشان هم، موافقت خودشان را اعلام کردند.

در مرحله‌ی نخست، تمام شعرهایی که در یک مجموعه به نام *Written in the season of fear* به زبان انگلیسی ترجمه شده بودند را برای ترجمه برگزیدم. دلیل این کار این بود که شعرهای این مجموعه شامل اشعار معروف و مقبول افتخار عارف در دنیای شعر اردو بود. به این تعداد بسنده نکرده و چون مجموعه‌ی کامل شعر ایشان به نام «دل و دنیا» را نیز در اختیار داشتم، بر آن شدم تا تعداد اشعار بیشتری را برای ترجمه انتخاب کنم. در نتیجه به طور کلی در این مجموعه ۲۰ غزل و ۴۵ شعر نو از اردو به فارسی ترجمه شده‌اند. ۵ شعر از اشعار ترجمه شده به فارسی شامل سه غزل با عنوان‌های فارسی جان من، کلام فاطمه (س)، گل سرخ، یلدا و یک شعر نو با عنوان سلام بر حجر بن عدی، برای نخستین بار در این کتاب به چاپ می‌رسد.

افزون بر آن، متن اردوی اشعار هم در صفحه‌ی مقابل ترجمه‌ی فارسی به دو دلیل ارائه شده است. دلیل نخست این که خواننده‌ی محترم فارسی زبان، با مشاهده‌ی متن اردو، میزان قرابت زبان و ادبیات اردو با زبان و ادبیات فارسی را عملاً حس کند و دلیل دوم این که در بسیاری از ترجمه‌های شعر، به دلیل عدم دسترسی به اصل شعر، مقایسه و تطبیق برای محققین با دشواری انجام می‌شود. به ویژه در دروس تطبیق ترجمه‌ها، عدم ارایه‌ی شعر در زبان اصلی، مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

همچنین در تکمیل این اقدام، برای این که خوانندگان محترم اطلاع داشته باشند که هر کدام از شعرها، از کدام مجموعه‌ی شعری هستند، در پاورقی در ذیل هر شعر اردو، نام مجموعه و شماره‌ی صفحه هم ذکر شده است.

خوانندگان محترم به خوبی بر این امر واقفند که ترجمه‌ی متن منظوم کاری بس دشوار است. به این دلیل که متن منظوم، دارای چینش و وزن خاصی است که دارای زیبایی هنری و مفهومی منحصر به فرد است که بی‌تردید خواننده‌ی آشنا به زبانی که شعر در آن زبان سروده شده، بیشترین لطف و حظ را از آن می‌برد. این زیبایی ریشه در فرهنگ و تمدن دارد و پر واضح است که انتقال مفاهیم فرهنگی در ترجمه‌ی شعر نه تنها مشکل است، بلکه در برخی موارد غیرممکن هم می‌شود. بنابراین در ترجمه‌ی یک شعر، آگاهی مترجم به خصایص شعری و آرایه‌های ادبی از قبیل استعارات، تشبیهات، تلمیحات و غیره بسیار ضروری است. با این وصف، نکته‌ی قابل توجه در ترجمه‌ی شعر از فارسی به اردو و یا از اردو به فارسی، این است که از آنجا که زبان اردو، زبان مسلمانان شبه قاره است و این خطه از لحاظ ادبی و فرهنگی به طور چشم‌گیری تحت تأثیر ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی است، در ترجمه‌ی به فارسی دشواری یاد شده، اندکی کاهش می‌یابد. چه این که واژگان و ترکیب‌های استعاره‌ای و تشبیهی و تلمیحات و سجع‌های موجود در ادبیات فارسی در میزان قابل توجهی در ادبیات اردو وارد شده است. اما همچنان باید به یاد داشت که با وجود این میزان مشترکات، به هر حال تفاوت‌های چشم‌گیری هم وجود دارد که، بنابر دلایل بسیار از جمله عوامل جامعه‌شناختی و غیره، که در اینجا محل بحث از آنها نیست، ناگزیر به نظر می‌رسد. بنابراین در ترجمه از اردو به فارسی و یا بالعکس در نظر داشتن این نکات بسیار حائز اهمیت بوده و در ترجمه‌ی

پیش رو هم این نکات کاملاً در نظر گرفته شده است. افزون بر موارد یاد شده، لازم است که خوانندگان محترم، به چند نکته‌ی دیگر توجه داشته باشند: نخست این که، از آنجا که برای یک مترجم، ممکن است در برخی موارد، در حین ترجمه، در مواردی ابهاماتی پیش بیاید، مشورت و یا پرسش از صاحب اثر یک نوع کمک بی‌بدیل و استثنائی به شمار می‌رود. بنابراین در مورد چند بیت و یا چند واژه‌ای که در ترجمه‌ی فارسی نیاز به اطلاعات بیشتر بود، به خود آقای افتخار عارف مراجعه کردم و توانستم ابهامات موجود را برطرف کنم. همچنین در نهایت فهرست شعرهای ترجمه شده را برای ایشان تهیه کردم و از ایشان خواستم که اگر درباره‌ی شعرى توضیحی لازم است و یا مناسبت خاصی در سرایش آنها وجود داشته را یادداشت نمایند. ایشان هم ذیل چند شعر با درج چند کلمه و در حد اشاره‌ی مختصر توضیحاتی نوشتند، که در پارو قی ترجمه‌ی برخی از اشعار آورده شده‌اند. نکته‌ی دیگر این که ترجمه‌ی بیشتر اشعار، با نوعی وزن و قافیه و آهنگ توأم شده است. البته در این مورد هیچ ادعایی مبنی بر ترجمه‌ی منظوم وجود ندارد. زیرا که من هیچ تجربه‌ای در سرودن شعر ندارم و فقط سعی بر این بوده است که از حالت نثر محض، به یک وزن و آهنگی نزدیک شوم، که خوشایند خواننده‌ی محترم باشد. همچنین از ترجمه‌ی واژه به واژه تا حد امکان دوری شده و تلاش بر این بوده است که با درک صحیح از شعر، بدون هیچ گونه تفسیر یا تأویل، یک ترجمه‌ی مفهومی ارائه شود.

دکتر علی بیات

۲۰ شهریور ماه ۱۳۹۳